

رابطه بین ورزش‌های تفریحی و سرمایه گذاری اقتصادی

(تاریخ دریافت ۱۴۰۰/۱۰/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۱/۰۳/۱۸)

سیده طاهره موسوی راد^۱

زینب اسدی سرچقائی

چکیده

سرمایه اجتماعی مفهوم نسبتاً جدیدی در علوم اجتماعی است و به طور خلاصه به معنای "هنجارها و شبکه‌هایی است که امکان مشارکت مردم در اقدامات جمعی به منظور کسب سود متقابل را فراهم می‌کند. کارکرد اجتماعی ورزش در توسعه و تحکیم روابط اجتماعی، کارکرد زیربنایی و بنیادی است که در کل ساختار جامعه و روابط موجود در اقشار و آحاد اجتماعی اثرات قابل توجهی بر جای می‌گذارد. ازسوی دیگر یکی از فعالیت‌هایی که افراد می‌توانند در اوقات فراغت خود انجام دهند برقراری ارتباط با دیگر افراد به دلایل مختلف باشد؛ اما به موازات افزایش جمعیت روابط چهره‌به‌چهره کارکرد خود را از دست داده و جای خود را به نوع دیگری از روابط می‌دهند. عقیده غالب در بین مردم بعضی از جوامع نگرستن به ورزش به مانند یک کالای مصرفی است و از اهمیت آن در تولید و رشد و توسعه اقتصادی و توزیع بهتر درآمدها غافل‌اند. هر چند پرداختن به ورزش نیازمند به هزینه‌های بالای زیربنایی است ولی این هزینه‌ها را نمی‌توان در کنار مخارج و هزینه‌های مصرفی قرار داد. امروزه به همان نسبت که درآمدهای ملی صرف ورزش می‌شود در بعضی از رشته‌های ورزشی در کوتاه مدت و در بعضی از دیگر رشته‌های ورزشی در درازمدت می‌توان میزان برگشت سرمایه را به صورت مستقیم و غیرمستقیم مشاهده نمود. به دنبال سرمایه‌گذاری در ورزش میزان اشتغال مستقیم و غیرمستقیم افزایش می‌یابد و در کنار آن امکان جذب درآمد از طریق برگزاری مسابقات بین‌المللی، جذب گردشگران و سطح سلامت و بهداشت جسمی و روانی جامعه افزایش می‌یابد.

واژگان کلیدی: سرمایه اجتماعی، ورزش‌های تفریحی، اقتصاد، مسابقات ورزشی

بخش اول: بررسی و شناخت واژه ورزش تفریح

ورزش را می توان با چند مشخصه کلیدی شناسایی کرد. این مشخصه ها عبارتند از: فعالیت های بدنی (قدرت، چابکی، سرعت)، ساختار و قوانینی که فضا و زمان را مورد توجه قرار می دهند، رقابت یا سوگیری به سمت هدف حتی با وجود رقبا یا به تنهایی و بدون آنها، قابل پیش بینی نبودن نتایج (کشکر و احسانی، ۱۳۹۲). از طرفی ورزش تفریحی، شکلی از فعالیت های جسمانی یا حضور منظم در فعالیت های فیزیکی است که سلامت بدنی و روانی را بهبود بخشیده، روابط اجتماعی را شکل داده و یا منجر به نتایج مثبت می شود و شامل ورزش هایی به منظور ارتقاء آمادگی جسمانی و مفرح است و شامل پنج نوع برنامه ورزش آموزشی، ورزش غیر رسمی، ورزش درون بخشی، ورزش برون بخشی و ورزش باشگاهی می شود (سند راهبردی نظام جامع توسعه تربیت بدنی و ورزش کشور، ۱۳۸۲). گذران اوقات فراغت به گونه مناسب و از راه تفریحات سالم و به ویژه ورزش تفریحی، اثرهای مثبت فراوانی بر شخص و جامعه دارد که عبارتند از:

منافع شخصی - رهایی از فشار و تنش، سلامت جسمی، بهداشت روانی، رشد مهارت، خلاقیت، خود شکوفایی، یادگیری، رشد شخصیت و غیره.

منافع اجتماعی - تقویت خانواده، توسعه روابط دوستانه، افزایش بهره وری عمومی، بهبود بهداشت عمومی، پرورش روحیه اجتماعی.

منافع اقتصادی - افزایش کار و اشتغال، توسعه نواحی روستایی، گسترش رفاه عمومی، توسعه تأسیسات و خدمات.

منافع محیطی - جلوگیری از اشغال اراضی، گسترش آموزش محیطی، توسعه فرهنگ زیست محیطی، توسعه همکاری میان نهادهای شهری و محیطی (جلالی فرهانی، ۱۳۹۱).

و پ و دیکرت^۱ (۲۰۰۵) ورزش های تفریحی را ورزش برای حداکثر مردم نامیده اند که با توجه به تنوع فراوان آن را به ورزش برای همه تبدیل کرده است.

۱. Wopp and Dieckert

ورزش آموزشی (پروورشی): ورزش آموزشی، در جامعه و در نظام‌های آموزشی خصوصی و دولتی شامل مهد کودک، کودکان، دوره‌ی ابتدایی، راهنمایی، دبیرستان، پیش دانشگاهی، دانشکده و دانشگاه ارائه می‌شود.

ورزش تفریحی: شامل برنامه‌ریزی فعالیت ورزشی برای تندرستی و تفریح است. این حوزه بسیار متنوع است و پنج بخش برنامه‌ای شامل ورزش آموزشی، ورزش غیررسمی، ورزش‌های درون دانشگاهی، ورزش‌های برون دانشگاهی و ورزش باشگاهی را در بر می‌گیرد. هر بخش توانایی‌ها و علایق مختلفی را در فعالیت‌های همیاری یا رقابتی به شکل بازی در بر می‌گیرد.

ورزش قهرمانی: شامل هدایت اشخاص در ورزش به سوی نهایت برتری در عملکرد است که آن را با نام برد می‌شناسیم.

ورزش حرفه‌ای: مشتمل بر بازاریابی رویدادهای ورزشی با تأکید بر رشته‌های ورزشی است. ورزش حرفه‌ای برای استفاده از ورزشکاران درجه یک که باعث جلب تماشاگران و کسب پشتیبانی مالی می‌شوند، سازماندهی شده است. (کشکر و احسانی، ۱۳۹۲)

ورزش آموزشی: فرصت یادگیری درباره مهارت‌های ورزش، راهبردها، مقررات و قوانین را فراهم می‌آورد تا کارایی بازیکنان را بهبود بخشد. ورزش غیر رسمی: شامل فرایند مشارکت شخص خود هدایت شده است. این حوزه‌ی برنامه ریزی که رویکردی انفرادی نسبت به ورزش دارد، به علاقه‌مندی به شرکت در ورزش برای تندرستی و تفریح توجه دارد که اغلب جز مشارکت هیچ گونه هدف از پیش تعیین شده‌ای دیگری ندارد.

ورزش درون دانشگاهی از مسابقات سازمند، تورنمنت‌ها، لیگ‌ها، یا دیگر رویدادهایی که در آن شرکت کننده محدود به پایگاه‌هایی است که از نظام ورزش تفریحی مستقر شده، تشکیل می‌شود. فقط افرادی که در پایگاه‌ها حضور داند (مدرسه، حوزه‌شغلی، جامعه محلی، پایگاه نظامی و غیره) می‌توانند در رویدادها شرکت کنند. ورزش برون دانشگاهی دارای مشارکت سازمند هستند و اغلب در پایگاه‌ها، بین گروه‌های برتر انجام می‌گیرد. این نوع ورزش که شاخه‌ای از ورزش درون دانشگاهی است، شامل قهرمانان ورزش درون دانشگاهی می‌شود.

بخش دوم: بررسی و شناخت سرمایه اجتماعی

هانی فان^۱ نخستین نویسنده‌ای است که از اصطلاح "سرمایه اجتماعی" استفاده کرده است. این مربی آموزشی گمنام ویرجینیای غربی در مقاله‌ای (۱۹۱۶) نابسامانی‌های نظام آموزشی کشورش، ایالات متحده آمریکا را بررسی می‌کند و اصطلاح سرمایه اجتماعی را برای تبیین دگرگونی‌هایی که در روابط اجتماعی دانش‌آموزان مشاهده کرده، به کار می‌برد. او گزارش می‌کند که در مدرسه‌های آمریکایی، پیوسته از میزان حسن نیتی که دانش‌آموزان برای برقرار کردن رابطه با یکدیگر به آن نیاز دارند، کاسته می‌شود و دانش‌آموزان نسبت به یکدیگر کم توجه شده و بیش از پیش از خواسته‌های فردی و شخصی خود پیروی می‌کنند؛ همدلی میان آن‌ها کاهش یافته و از این رو برای معاشرت و روابط پایدار با یکدیگر تمایل کمتری از خود نشان می‌دهند. در واقع هسته اصلی اندیشه هانی فان، این است که میان "سرمایه اجتماعی" و "رابطه اجتماعی" پیوند درونی و تنگاتنگ وجود دارد و سرمایه اجتماعی در درون رابطه اجتماعی نهفته و پنهان است (اجتهادی، ۱۳۸۶).

مفهوم سرمایه را نیز می‌توان از آرای مارکس^۲ دنبال کرد. در مفهوم پردازی مارکس، سرمایه بخشی از ارزش اضافی است که سرمایه داران، کسانی که ابزار تولید را در اختیار دارند، از گردش کالاها و پول در فرایندهای تولید و مصرف آن را بدست می‌آورند. در این گردش، به کارگران در مقابل کار (کالاشان) دستمزد پرداخت می‌شود که به آنها امکان می‌دهد کالاهایی (از قبیل غذا، مسکن و لباس) را برای ادامه حیات خود (ارزش مبادله) خریداری کنند. اما کالای پردازش و تولید شده توسط سرمایه داران را می‌توان با قیمت بالاتری در بازار مصرف فروخت (ارزش مصرف کننده) (نیکلسون، ۲۰۰۸).

از دهه ۱۹۶۰ به این سو، شاهد ظهور نظریه‌های جدید سرمایه همچون سرمایه انسانی، سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی هستیم. به طور مثال نظریه سرمایه انسانی شولتز^۳ (۱۹۶۱) سرمایه را به

۱. Hani fan

۲. Marx

۳. Schhultz

مثابه سرمایه‌گذاری در آموزش با بازگشت سرمایه (سود) معین در نظر می‌گیرد. به همین ترتیب سرمایه فرهنگی آنگونه که بوردیو^۱ (۱۹۹۰) توصیف کرده است بیانگر سرمایه‌گذاری طبقه مسلط در بازتولید مجموعه‌ای از نمادها و معانی‌ای است، که توسط طبقه تحت سلطه، غلط درک و درونی شده و آنها را به مثابه نمادها و معانی طبقه خود پذیرفته‌اند. از طرف دیگر در نظریه‌های سرمایه جدید به جای اینکه سرمایه به عنوان بخشی از فرایند استثمار طبقاتی در جامعه دیده شود (تحلیل سطح کلان)؛ به چگونگی سرمایه‌گذاری کارگران و عاملان به عنوان کنش‌گرانی که برای کسب ارزش افزوده کارشان در بازار سرمایه‌گذاری می‌کنند پرداخته می‌شود (تبیین سطح خرد). بنابراین در این نظریه‌ها یک گذر تبیینی از سطح کلان به سطح خرد مشاهده می‌شود. نظریه‌های جدید سرمایه همچنین بر تعامل کنش‌های فردی و وضعیت‌های ساختاری در فرایند سرمایه‌گذاری تأکید دارند (عبدالملکی و همکاران، ۱۳۹۲).

بخش سوم: بررسی نظریات ارائه شده از سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی واژه‌ای است که در سال‌های اخیر وارد حوزه علوم اجتماعی و اقتصاد گردیده و از این منظر دریچه تازه‌ای را در تحلیل و علت‌یابی مسائل اجتماعی و اقتصاد گشوده است. در این زمینه مطالعات وسیعی توسط صاحب نظران و دانشمندان این علوم صورت گرفته و نظریه پردازانی همچون بوردیو، کلمن^۲، پوتنام^۳، فوکویاما^۴، لین^۵ و جاکوب تعاریف متعددی از سرمایه اجتماعی ارائه کرده‌اند که در ادامه تفصیل شرح خواهیم داد (اجتهادی، ۱۳۸۶).

بند اول: سرمایه اجتماعی از دیدگاه پیر بوردیو

بوردیو سه نوع سرمایه را شناسایی نمود؛ این اشکال سرمایه عبارت از شکل اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی بوده‌اند. شکل اقتصادی سرمایه بلافاصله قابل تبدیل به پول است مانند دارایی‌های

۱. Bourdieu

۲. Colman

۳. Putnam

۴. Fukuyama

۵. Lin

منقول و ثابت یک جامعه. سرمایه فرهنگی، نوع دیگر سرمایه است که در یک سازمان وجود دارد مانند تحصیلات عالیه اعضای یک جامعه که این نوع سرمایه نیز در برخی موارد و تحت شرایطی قابل تبدیل به سرمایه اقتصادی است و سرانجام شکل دیگر سرمایه، سرمایه اجتماعی است که به ارتباطات و شرکت اعطای یک جامعه توجه دارد و میتواند به عنوان ابزاری برای رسیدن به سرمایه های اقتصادی باشد. سرمایه اجتماعی از نظر بورديو بر تعهدات و ارتباطات اجتماعی مبتنی است و خود او آنرا چنین تعریف میکند: "سرمایه اجتماعی انباشت منابع بالفعل و باقوه ای است که مربوط به داشتن شبکه ای نسبتاً پایدار از روابط کم و بیش نهادی شده از آشنایی و شناخت متقابل است یا به عبارتی دیگر عضویت در یک گروه برای هر یک از اعضایش از طریق حمایت یک سرمایه جمعی، صلاحیتی فراهم می کند که آنان را مستحق اعتبار به معنای مختلف کلمه می کند (بنتیس، ۲۰۰۱).

شاخصی که برای سرمایه اجتماعی در نظر می گیرد عضویت افراد در کلوپ ها است بنابراین از نظر بورديو ایجاد و اثر بخشی سرمایه اجتماعی بستگی به عضویت در یک گروه اجتماعی دارد که اعضای آن، مرزهای گروه را از طریق مبادله اشیا و نهادها بنیان نهاده اند. این روابط ممکن است از طریق کاربرد یک نام مشترک (خانواده، ملت، انجمن، حزب) و مجموعه ای کامل از کنش ها بر نهادهای گردن، نظیر مبادلات مادی و نمادی تضمین شود. لازم به ذکر است که بورديو سرمایه اجتماعی را ویژگی انحصاری نخبگان می داند که برای تأمین موقعیت نصبی شان طراحی شده است لذا او براین باور بود که سرمایه اجتماعی فقط برای افراد مرفه مفید است (شهبانی و خائف الهی، ۱۳۸۹).

به اعتقاد بورديو سرمایه اجتماعی به عنوان شبکه ای از روابط، یک ودیعه طبیعی یا حتی یک ودیعه اجتماعی نیست بلکه چیزی است که در طول زمان و به تلاش بی وقفه بدست می آید. بورديو بر قابلیت تبدیل انواع مختلف سرمایه تأکید داشته و سرمایه اقتصادی را ریشه انواع دیگر سرمایه می داند و به تعبیر لین (۲۰۰۱) سرمایه اجتماعی از نظر بورديو لباس مبدل برای سرمایه اقتصادی می باشد. همان گونه که ملاحظه می شود، از دیدگاه بورديو سرمایه اقتصادی شکل غالب سرمایه گذاری است و انواع دیگر سرمایه که شامل فرهنگی و اجتماعی است، به

عنوان ابزاری برای حصول سرمایه اقتصادی مفهوم پیدا میکنند. از نظر بوردیو، سرمایه اجتماعی در ممالک سرمایه‌داری به عنوان ابزاری برای تثبیت و تقویت جایگاه اقتصادی افراد به شمار می‌رود، در این ممالک، سرمایه اقتصادی پایه است و سرمایه اجتماعی و فرهنگی ابزاری برای تحقق آن محسوب می‌شود. می‌توان نتیجه گرفت که دیدگاه بوردیو در زمینه سرمایه اجتماعی یک دیدگاه ابزاری صرف است. به عبارتی اگر سرمایه اجتماعی نتواند موجب رشد سرمایه اقتصادی شود، کاربردی نخواهد داشت (بوردیو، ۱۹۹۷).

بند دوم: سرمایه اجتماعی از دیدگاه جیمز کلن

برخلاف بوردیو، کلن از واژگان مختلفی برای تعریف سرمایه اجتماعی کمک گرفت؛ وی مفهوم سرمایه اجتماعی را از ابعاد مختلف بررسی کرد. کلن برخلاف بوردیو معتقد است که سرمایه اجتماعی صرفاً محدود به طبقه مرفع نبوده بلکه می‌تواند برای طبقات پایین نیز مفید باشد. از نظر کلن "سرمایه اجتماعی نشان دهنده یک منبع است زیرا متضمن شبکه‌های مبتنی بر ارزش‌های مشترک و اعتماد می‌باشد". مفهوم سرمایه اجتماعی برای کلن وسیله‌ای برای تبیین نحوه همکاری و تعاون افراد با همدیگر بود. او بر این باور است که سرمایه اجتماعی یکی از وسایلی است که افراد به کمک آن می‌توانند منفعتی به دست آورند بنابراین سرمایه اجتماعی از نظر کلن مفید است و دارای کارکرد می‌باشد و به همین دلیل سرمایه اجتماعی را با کارکرد آن تعریف می‌کند. او برای تعریف سرمایه اجتماعی از نقش و کارکرد آن کمک گرفت و تعریفی کارکردی، از سرمایه اجتماعی ارائه داد و نه تعریف ماهوی. براین اساس، سرمایه اجتماعی عبارت است از "ارزش آن جنبه از ساختار اجتماعی که به عنوان منابعی در اختیار اعضا قرار می‌گیرد تا بتوانند به اهداف و منافع خود دست پیدا کنند". کلن سرمایه اجتماعی را بخشی از ساختار اجتماعی می‌داند که به کنش‌گر اجازه می‌دهد تا با استفاده از آن به منافع خود دست یابد و سرمایه اجتماعی را همانند سایر اشکال سرمایه مولد می‌داند که دستیابی هدف‌های معینی را امکان‌پذیر می‌سازد (همان). او معتقد است که سرمایه اجتماعی ویژگی‌های معینی دارد که آن را از کالاهای خصوصی، تقسیم‌پذیر و انتقال‌پذیر، متمایز می‌سازد. سپس ویژگی‌های این کالای عمومی را چنین برمی‌شمارد:

به آسانی مبادله نمی شود اگر چه این سرمایه منبعی است که ارزش استفاده دارد. سرمایه اجتماعی دارایی هیچ یک از افرادی که از آن سود می برند نیست و این به واسطه صفت کیفی ساختار اجتماعی است که فرد در آن قرار گرفته است. نتیجه فرعی فعالیت های دیگر است و معمولاً شخص خاصی آنرا به وجود نمی آورد زیرا انگیزه برای سرمایه گذاری در آن وجود ندارد یا ضعیف است، برخلاف سرمایه فیزیکی که به واسطه منافع شخصی اش انگیزه برای سرمایه گذاری کاهش نمی یابد. سرمایه اجتماعی با اینکه منبع مهمی برای افراد است و می تواند برای توانایی انجام کنش و کیفیت زندگی آنها بسیار تأثیرگذار باشد، با وجود این از آنجا که بسیاری از منافع کنش هایی که سرمایه اجتماعی را به وجود می آورند، توسط افرادی غیر از فردی که آن را ایجاد کرده کسب می شود، به سود فرد نیست که آنرا به وجود آورد. نتیجه این می شود که بیشتر شکل های سرمایه اجتماعی به شکل نتیجه فرعی فعالیت های دیگر ایجاد یا نابود می شود (نیکلسون، ۲۰۰۸). برخلاف بوردیو که سرمایه اقتصادی را به عنوان هدف غایی در نظر می گرفتند، کلمن، سرمایه انسانی را به عنوان هدف غایی مطرح و سرمایه اجتماعی را به عنوان ابزاری برای حصول به سرمایه انسانی به کار می برد. به عبارتی کلمن با استفاده از مفهوم سرمایه اجتماعی سعی در شناخت نقش هنجارها و ارزش ها در داخل خانواده با شبکه های اجتماعی بود تا از این طریق بتواند موجب تقویت سرمایه انسانی شود (وارد، ۲۰۰۱).

بند سوم: سرمایه اجتماعی از دیدگاه رابرت پوتنام

رابرت پوتنام نیز از اندیشمندان و نظریه پردازان مفهوم سرمایه اجتماعی است و نظریه ی او ارتباط با نظریه ی الکسیس دو توکویل^۲ است. دو توکویل نگران بی نظمی و آناارشی قریب الوقوع در اولین دموکراسی شناخته شده دنیا بود و معتقد بود که برابری رسمی در برابر قانون سبب اتمیزه کردن جامعه و سپس منجر به استبداد می شود اما در پایان سفرهای خود در آمریکا به این نتیجه رسید که زندگی انجمنی یکی از شالوده های مهم نظم اجتماعی است و این

۱. Warde

۲. Alexis Do Tocoville

انجمن‌ها میزان بالای تعهد مدنی را ایجاد می‌کنند و این امر از ظهور استبداد جلوگیری می‌کند و نظریه پوتنام این بود که هشدار میداد که سنگ بنای توکویلی دموکراسی آمریکایی در حال نابودی است و در همین راستا مفهوم سرمایه‌اجتماعی را به کاربرد (شهرانی و خائف الهی، ۱۳۸۹). پوتنام سرمایه‌اجتماعی را اعتماد، هنجارهای همیاری و شبکه‌هایی می‌داند که دستیابی به منافع متقابل را تسهیل می‌کند و هدف سرمایه‌اجتماعی را تأمین دموکراسی کارآمد و توسعه اقتصادی می‌داند. بنابراین پوتنام سرمایه‌اجتماعی را فراتر از سطح فردی بکار می‌گیرد و به چگونگی کارکرد سرمایه‌اجتماعی در سطح منطقه‌ای و ملی و تأثیر آن بر نهادهای دموکراتیک می‌پردازد. پوتنام (۱۹۹۳ تا ۱۹۹۸) از پژوهشگران اخیر سرمایه‌اجتماعی است. تأکید عمده وی به نحوه تأثیر سرمایه‌اجتماعی بر رژیم‌های سیاسی و نهادهای دموکراتیک است. پوتنام، سرمایه‌اجتماعی را مجموعه‌ای از مفاهیمی مانند اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها می‌داند که موجب ایجاد ارتباط و مشارکت بهینه اعضای یک اجتماع شده و در نهایت منافع متقابل آنان را تأمین خواهد کرد. از نظر وی اعتماد و ارتباط متقابل اعضا در شبکه، به عنوان منابعی هستند که در کنش‌های اعضای جامعه موجود است (وزیری راد، ۱۳۸۷).

پوتنام معتقد است سرمایه‌اجتماعی نیز مانند سایر سرمایه‌ها مولد است و امکان دستیابی به اهداف مشخصی را فراهم می‌کند برای مثال گروهی از اعضایش به یکدیگر اعتماد زیادی دارند نسبت به گروهی که فاقد این ویژگی‌ها هستند موفق ترند و کارایی بیشتری را دارند (همان).

پوتنام سرمایه‌اجتماعی را وسیله‌ای برای رسیدن به توسعه سیاسی و اجتماعی در سیستم‌های مختلف سیاسی می‌داند. تأکید عمده وی بر مفهوم اعتماد بود و به زعم وی همین عامل بود که می‌توانست با جلب اعتماد میان مردم و دولتمردان و نخبگان سیاسی موجب توسعه سیاسی شود. بنابراین، اعتماد، منبع بالارزشی از سرمایه محسوب می‌شود که اگر در حکومتی به میزان زیاد اعتماد وجود داشته باشد به همان اندازه رشد سیاسی و توسعه اجتماعی بیشتر خواهد بود. پوتنام معتقد است که برخلاف سرمایه متعارف که یک کالای خصوصی هستند، سرمایه اجتماعی نوعی کالای عمومی به شمار می‌آید و افرادی که از آن بهره مند هستند همانند

سرمایه متعارف تمایل به افزایش آن دارند. پوتنام برای سرمایه اجتماعی سه مولفه و شاخص تعریف می کند که عبارتند از: شبکه ها، اعتماد و هنجارهای همیاری. او اعتماد را به دو نوع اجتماعی و شخصی دسته بندی می کند و اعتماد اجتماعی را برای جامعه سودمندتر می داند (شهرانی و خائف الهی، ۱۳۸۹). تفاوت کار پوتنام با بوردیو و کلنن در مقیاس به کارگیری مفهوم سرمایه اجتماعی است. برخلاف آن دو، پوتنام سرمایه اجتماعی را در مقیاس کلام و در رژیم سیاسی حاکم بر جامعه مورد مطالعه قرار داد و به همین خاطر با مشکلات و پیچیدگی های خاص سیاسی و ملاحظات سیاسی روبرو شد.

بند چهارم: سرمایه اجتماعی از دیدگاه نان لین

لین با طرح نظریه منابع اجتماعی (۱۹۸۲) مشخصاً این مسئله را مطرح کرده است که دستیابی به منابع اجتماعی و استفاده از آن ها (منابع نهفته در شبکه های اجتماعی) می تواند به موقعیت های اجتماعی اقتصادی بهتری منجر شود. بر همین اساس لین در سال های اخیر مفهوم سرمایه اجتماعی را برای طرح نظرات پیشین خود برگزیده و آن را به مثابه منابع نهفته در ساختار اجتماعی تعریف می کند که با کنش های هدفمند قابل دسترسی یا گردآوری است. به این ترتیب، از نظر لین، سرمایه اجتماعی از سه جز تشکیل شده است: منابع نهفته در ساختار اجتماعی، قابلیت دسترسی افراد به این گونه منابع اجتماعی و استفاده یا گردآوری این منابع اجتماعی در کنش های هدفمند (کلنن، ۱۹۹۰).

لین منابع ارزشمند در اکثر جوامع را ثروت، قدرت و پایگاه اجتماعی معرفی می کند و لذا سرمایه اجتماعی افراد را بر حسب میزان یا تنوع ویژگی های دیگری که فرد با آنها پیوندهای مستقیم و غیرمستقیم دارد قابل سنجش می داند. البته دستیابی به منابع و استفاده از آن ها خود متأثر از موقعیت فرد در ساختار سلسله مراتبی موجود در جامعه است. او منابع نهفته و موقعیت های شبکه ای را دو عنصر مفهومی سرمایه اجتماعی قلمداد می کند و نتایج سرمایه گذاری افراد در روابط و شبکه های اجتماعی در ارتباط با دو نوع کنش ابزاری و کنش اظهاری طبقه بندی می نماید. برای کنش ابزاری سه گونه بازگشت سرمایه (بازدهی) را مطرح می کند: بازدهی اقتصادی (ثروت)، بازدهی سیاسی (قدرت) و اجتماعی (شهرت) و برای مورد اخیر می نویسد:

به نظر من شهرت یکی از شاخص‌های بازدهی اجتماعی است. شهرت را می‌توان به مثابه نظرات مساعد یا نامساعد درباره فرد در یک شبکه اجتماعی تعریف کرد (محقق، ۱۳۸۵).

لین در مقایسه سرمایه اجتماعی با اشکال دیگر سرمایه، سرمایه اقتصادی و سرمایه انسانی را شکل‌های شخصی سرمایه می‌نامند، حال آنکه برای سرمایه اجتماعی عنوان دارایی ارتباطی را به کار می‌برد. سرمایه‌گذاری در این سرمایه، نه بر روی فرد بلکه بر روی روابط صورت می‌گیرد، یعنی اینکه افراد برای دست‌یابی به سود در تعاملات و شبکه سازی شرکت می‌کنند. وی به مواردی در چگونگی کارکرد سرمایه اجتماعی اشاره می‌کند که معتقد است در اشکال شخصی سرمایه به آن پرداخته نمی‌شود. به طور مثال، او به تسهیل جریان اطلاعات در برخی پیوندهای اجتماعی اشاره می‌کند که به واسطه آن اطلاعات سودمندی در باره فرصت‌ها و انتخاب‌ها به فرد می‌رسد و با پیوندها می‌تواند یک سازمان و کارگزاران یا حتی جامعه را از وجود و علایق افرادی که در صورت فقدان پیوندهای ناشناس باقی می‌مانند را آگاه کند. نهایتاً اینکه انتظار می‌رود روابط اجتماعی که در منافع و منابع مشابهی شریک‌اند موجبات حمایت عاطفی و تأیید برای حفظ سلامت فکری و استحقاق بهره‌مندی از منابع ضروری است. لین چهار عنصر اطلاعات، اعتبار اجتماعی و تأیید را توضیح چگونگی کارکرد سرمایه اجتماعی در کنش ابزاری و کنش اظهاری می‌داند (سفیری و منصوریان، ۱۳۹۳). همانگونه که ملاحظه می‌شود، مباحث لین صرفاً بر منافع فردی سرمایه اجتماعی متمرکز است و سرمایه اجتماعی را در درجه اول امری فردی می‌داند که افراد با انگیزه کسب سود برای خود اقدام به سرمایه‌گذاری در روابط اجتماعی می‌نمایند. اگر چه به زعم لین مانند سرمایه انسانیت سرجمع این دارایی‌های ارتباطی به نفع جامعه نیز تمام شود (حیدرنژاد و همکاران، ۱۳۹۱).

بند پنجم: سرمایه اجتماعی از دیدگاه فرانسیس فوکویاما

مباحث و مطالعات فوکویاما پیرامون سرمایه اجتماعی نیز مانند پوتنام در سطح کلان دنبال شده است. او سرمایه اجتماعی را در سطح کشورها و در ارتباط با رشد و توسعه اقتصادی آنها مورد بررسی قرار داده است. بنابراین تعریف او از سرمایه اجتماعی یک تعریف جمعی بوده و سرمایه اجتماعی به منظره دارایی گروه‌ها و جوانب تلقی می‌شود.

سرمایه اجتماعی را به سادگی می توان به عنوان مجموعه معین از هنجارها یا ارزش های غیر رسمی تعریف کرد، که اعضای گروهی که همکاری و تعاون میان شان مجاز است در آن سهم هستند. هنجارهایی که تولید سرمایه اجتماعی می کنند، اساساً باید شامل سجایایی از قبیل صداقت، ادای تعهدات و ارتباطات دو جانبه باشند. فوکویاما مانند پوتنام هنجارهای همیاری را شالوده سرمایه اجتماعی معرفی می نماید و می نویسد: فرض بر این است که سرمایه اجتماعی وجود رفتارهای هنجارهای رفتاری مبتنی بر تشریک مساعی را منعکس می کند (عبدالملکی و همکاران، ۱۳۹۲). همچنین او مفهوم شبکه را در ارتباط با سرمایه اجتماعی طرح می کند:

از دیدگاه سرمایه اجتماعی، شبکه به عنوان نوعی سازمان رسمی به تعریف در نیامده بلکه به صورت یک ارتباط اخلاقی مبتنی بر اعتماد تعریف می شود. شبکه، گروهی از عاملان منفردی است که در هنجارها یا ارزش های فراتر از ارزش ها و هنجارهای لازم برای دادوستدهای متداول بازار مشترک هستند. هنجارها و ارزش هایی که در این تعریف جای می گیرند از هنجار ساده دوسویه مشترک بین دو دوست گرفته، تا نظام های ارزشی پیچیده ادامه می یابد (همان).

فوکویاما برخلاف دیگر نظریه پردازان سرمایه اجتماعی، بر خصلت سرمایه اجتماعی تأکید می کند: سرمایه اجتماعی زیر مجموعه سرمایه انسانی نیست، چرا که این سرمایه متعلق به گروه هاست نه افراد. هنجارهایی که سرمایه اجتماعی را شکل می دهند در صورتی معنا دارند که بیش از یک فرد در آن سهم باشد. گروهی که حامی سرمایه اند ممکن است به کوچکی دو دوست باشند که با یکدیگر تبادل اطلاعات می کنند یا در پروژه ای به صورت مشترک همکاری می نمایند یا ممکن است در مقیاسی بزرگتر تمام یک ملت باشد. به همین دلیل کارکرد سرمایه اجتماعی (بازدهی سرمایه) در نظریات فوکویاما در سطح جامعه است، او معتقد است میزان بالای اعتماد در یک جامعه موجب پیدایش اقتصادی کاراتر می شود چرا که باعث حذف یا کاهش هزینه های مربوط به چانه زنی و مراقبت بر اجرای مفاد قراردادهای اقتصادی می گردد. او همچنین کارکرد دیگر سرمایه اجتماعی در سطح کلان را تقویت دموکراسی پایدار از طریق تقویت جامعه مدنی می داند: جامعه مدنی که در سال های اخیر به طور قابل توجهی کانون توجه نظریه پردازی های مردم سالاری بوده است، در مقیاس وسیعی محصول

سرمایه اجتماعی است (عبدالملکی و همکاران، ۱۳۹۲). به این ترتیب فوکویاما در زمره کسانی نظیر کلمن و پوتنام قرار می‌گیرد که سرمایه اجتماعی را نوعی کالای عمومی یا به تعبیر نان لین دارایی جمعی قلمداد می‌کنند.

بند ششم: نگاهی به تعاریف دیگر از سرمایه اجتماعی

جین جاکوب^۱ در کتاب "مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی" سرمایه اجتماعی را شبکه‌های اجتماعی فشرده‌ای می‌داند که در محدوده‌های قدیمی شهری در ارتباط با حفظ نظافت، عدم وجود جرم و جنایت خیابانی و دیگر تصمیمات در مورد بهبود کیفیت زندگی، در مقایسه با عوامل نهادهای رسمی مانند نیروی حفاظتی پلیس و نیروهای انتظامی، مسئولیت بیشتری از خود نشان می‌دهد. یک مثال عینی این تعریف را در دنیای امروز می‌توان در شکل‌های غیر دولتی حمایت از محیط زیست یافت. این شبکه‌های اجتماعی بعضاً نیروهای قدرتمندی را به صورت NGOها به وجود می‌آورد که حتی در حمایت از محیط زیست موجب توقف پروژه‌های عمرانی دولت نیز می‌شوند (فیلد، ۱۳۸۵).

آپهوف^۲ نیز برای مفهومی کردن سرمایه اجتماعی عنوان می‌کند که می‌بایست آن را به دو طبقه مرتبط باهم تقسیم کرد: ساختاری و شناختی. وی سرمایه اجتماعی در شکل ساختاری را یا شکل‌های گوناگون سازمان اجتماعی مانند نقش‌ها، قواعد، روش‌های قبلی یا رسوم و رویه‌ها و دامنه‌ای گسترده از شبکه‌هایی که به همکاری یا تعاون و کنش جمعی دو طرفه سودمند کمک می‌کند، پیوند می‌دهد. طبقه بندی شناختی نیز از فرایندهای ذهنی مشتق شده و نتیجه آن ایده‌ها بوده و به وسیله ایدئولوژی تقویت می‌شوند، یعنی هنجارها، نگرش‌ها و باورهایی که به رفتار مبتنی بر همکاری و تعاون کمک می‌کند (روحی پناه و همکاران، ۱۳۹۱). آپهوف همچنین بر این باور است که هر دو طبقه بندی از سرمایه اجتماعی در سطح بالایی به هم وابسته اند، به گونه‌ای که هر کدام از شکل‌های شناختی و ساختاری کمک کننده به یکدیگرند. هر دوی

۱. Jean Jacob

۲. Uphoff

آن ها از راه ساز و کار انتظارات بر رفتار تأثیر می گذارند. هر دو پدیده به وسیله تجار شرطی شده و به وسیله فرهنگ و روحیه یا طرز فکر یک دوره و دیگر عوامل تأثیر گذار تقویت می شوند (همان).

جدول تعاریف، اهداف، تحلیل و منافع حاصل از سرمایه اجتماعی

نظریه پرداز	تعریف	اهداف	سطح تحلیل	بازدهی سرمایه
بورديو	منابعی که دسترسی به کالاهای گروهی را فراهم می سازد	تأمین سرمایه اقتصادی	افراد در رقابت های طبقاتی	خصوصی (فردی و گروهی)
لین	دسترسى و استفاده از منابع نهفته در شبکه های اجتماعی	تأمین منابع نهفته در روابط، حفظ منابع موجود	افراد در شبکه ها و ساختارهای اجتماعی	خصوصی (فردی)
کلمن	جنبه هایی از ساختار اجتماعی که کنش های هدفمند کنشگران را تسهیل می کند	تأمین سرمایه انسانی	افراد در زمینه های خانوادگی و اجتماعی	خصوصی و عمومی (فردی و جمعی)
پوتنام و فوکویاما	هنجارهای اعتماد و همیاری و شبکه های همکاری برای منافع متقابل را تسهیل می کند	تأمین دموکراسی کارآمد و توسعه اقتصادی	مناطق و اجتماعات و گروه ها در زمینه های ملی و بین المللی	عمومی (جمعی)
کاکس	پویش های بین مردم که شبکه ها، هنجارها و اعتماد اجتماعی را شامل می شوند	تسهیل هماهنگی تعاون و تقویت تساهل و تسامح	افراد در سازمان های داوطلبانه	جمعی
پاکستون	پیوستگی عینی و ذهنی بین افراد	افزایش ظرفیت و قابلیت کنش	خرد و کلام	فردی، گروهی، جمعی
ترنر	نیرویی که توسعه اقتصادی را در جامعه از طریق روابط اجتماعی افزایش می دهد	توسعه اقتصادی بهینه قابلیت جمعی تولید	خرد و جمعی و میانی	فردی و جمعی

بخش چهارم: تبار شناسی و زمینه تاریخی سرمایه اجتماعی

اگرچه در خصوص زمینه های تاریخی دسته بندی های مشخصی وجود ندارد اما اگر بخواهیم کاربرد ها، مقاصد و تعاریفی که در علوم اجتماعی از این مفهوم می شود را دسته بندی کنیم و

پیشینه این مفهوم را در آرای اندیشمندان معاصر و کلاسیک جستجو کنیم، شاید در چند حیطه بتوان به ردیابی آن پرداخت دسته‌ای ردیابی این مفهوم را از کارل مارکس آغاز می‌کنند. او در کتاب سرمایه به مسئله همبستگی از روی اجبار و ضرورت که در آن قرار می‌گیرند مانند وضعیت پناهنده گان و مهاجران در یک جامعه بدین معنی شرایط منفی و بحرانی افراد را به سوی استفاده از نیروی جمعی، توانایی‌های بالقوه جمعی، اتکاب یکدیگر توسل به پشتیبانی یکدیگر و استفاده از پتانسیل‌های گروهی ترغیب می‌کند. این خاصیت، امروز نیز به نوعی در مفهوم سرمایه اجتماعی مطرح است یعنی همان استفاده از انرژی جمعی و اتکا به پشتیبانی افراد در مناسبات جمعی به نحوی که با نتایج مثبت و معنی افراد را گرد هم جمع می‌آورند (رسولی و پاک‌طینت، ۱۳۹۰).

رویکرد دیگری در آرای جورج زیمل^۱ قابل شناسایی است. یعنی جایی که او از مفهوم بده بستان یا دادوستد صحبت می‌کند. مبنای بده بستان هنجارها و قواعد رفتاری است که افراد برای سامان دادن به مناسبات بین فردی، مبادلات تعاملاتی که بر بقای خود ضروری می‌دانند وضع می‌کند. البته با توجه به کدام سود و منفعت در مقابل چنین سرمایه‌گذاری که می‌تواند هر شکلی به حوزه خود بگیرد، افراد توقع دارند کمک و لطفی که نشان می‌دهند جبران شود. برخی چنین تعبیر می‌کنند که این مطلب سود و نفع که ضرر تا پاداش و سود آتی و زود هنگام را در برنمی‌گیرند، در مقابل ایثار و دگرخواهی قرار دارد. در این رویکرد مفهوم سرمایه اجتماعی به داد و ستدهایی که افراد در زندگی اجتماعی صورت می‌دهند تقلیل می‌یابد. البته با ملاحظات مشخص و منفعتی که دیر یا زود، انتظار برآورده شدن آن می‌رود، این نگاه به مبادلات اجتماعی امروز رواج بیشتری دارد. به عنوان مثال این نگاه، در ادبیات اقتصادی که با نئو کلاسیک‌ها آغاز شد و وجود فلسفی آن از مکتب اصالت سود ریشه گرفته است یا به طور کلی و مشخص در نظریه مبادله و کنش متقابل به آن پرداخته شده است. رویکرد سوم که اثرات عمیق و نسبتاً فراگیری برجای گذاشته مباحثی است که با دورکیم آغاز و پس از او با

۱. Simmel

پارسونز پیگیری شد. این افراد با نگاه انتقادی و در پاسخ به بینش ها و رویکردهایی که مفهوم سرمایه را به مبادلات اقتصادی تقلیل می دهند، به طرح مفهوم ارزش پرداختند و تعبیر خود را به نوعی بردرون فکنی ارزشی استوار کردند. یعنی تعهداتی که بر مبنای آنها، ارزش ها و هنجاری های اجتماعی است. چنین هنجارها و ارزش هایی افراد را فارغ از دغدغه های مثبت به ایفای نقش ها و اعمال خود ترغیب می کند (عزیزی، ۱۳۹۲).

از جریانات فکری تأثیرگذار دیگر باید از مارکس وبر نام برد. مباحثی که وبر مطرح می کند مفاهیمی است که به مفهوم اعتماد معطوف است. این سوال که اعتماد در متن رسمی و غیر رسمی چگونه ساخته می شود و در یک متن اجتماعی چه ملازماتی برای افراد به همراه دارد، در مفهوم سازی سرمایه اجتماعی موثر بوده است. این اعتماد، قراردادی است که به سوی خطرپذیری که در روابط اجتماعی، برای کارهای جمعی و فردی چیزی جز اعتماد نیست. اعتماد یعنی آمادگی افراد برای اینکه در یک متن اجتماعی و در روابط اجتماعی بپذیرند که باید به سایر افراد اطمینان داشته باشند و البته به همان نحو در مقابل سایرین نیز اطمینان نشان بدهند، بدین ترتیب می بینیم که در ریشه یابی این مفهوم زمینه های متنوعی تأثیرگذار بود. چنین برداشتهایی اصولاً مانعی در جهت ارائه تعریفی دقیق از مفهوم سرمایه اجتماعی به شمار می آیند در تعاریف سرمایه پیرامون آن توافق و همگونی چندانی وجود ندارد، اما به طور کلی این زمینه های نظری گسترده و کلی را می توان به عنوان ریشه های نظری سرمایه اجتماعی در نظر گرفت که هنوز هم هریک هوادارانی دارد، با توجه به سوگیری که در هر یک از این نحله ها و جریان های فکری وجود دارد، تعاریف نیز متفاوت خواهد بود (جسمانی و پارسامهر، ۱۳۹۰).

فوکویاما در کتاب معروف "پایان نظم (سرمایه اجتماعی و حفظ آن)" مبنای نخستین اصطلاح سرمایه اجتماعی را بدین صورت شرح می دهد که اصطلاح سرمایه اجتماعی تا آنجا که من از آن آگاه شدم، نخستین بار در اثر کلاسیک جین جاکوب: "مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی" (۱۹۶۱) به کار رفته است، که در آن توضیح داده بود شبکه های اجتماعی فشرده در محدوده های مختلط و قدیمی شهری، صورتی از سرمایه اجتماعی را تشکیل می دهند و در

ارتباط با حفظ نظافت، عدم وجود جرم و جنایات خیابانی و دیگر تصمیمات در مورد بهبود کیفیت زندگی، در مقایسه با عوامل نهادهای رسمی مانند نیروی حفاظتی پلیس و نیروهای انتظامی، مسئولیت بیشتری از خود نشان دهند. گلنلوری اقتصاددان نیز همچون ایوان لایت جامعه شناس، اصطلاح سرمایه اجتماعی را در دهه ۱۹۷۰ برای توصیف مشکل اقتصاد درون شهری به کار برد: آمریکایی‌های آفریقایی تبار در محدوده اجتماعات خود فاقد اعتماد و همبستگی بوده‌اند در حالی که برای آمریکایی‌های آسیایی الاصل و دیگر گروه‌های قومی، این اعتماد و همبستگی وجود داشت. همین فقدان اعتماد و همبستگی در میان سیاهان مبین ضعف داد و ستد در میان سیاهان بود. در دهه ۱۹۸۰ این اصطلاح توسط کلمن جامعه‌شناس در معنای وسیع‌تری مورد استفاده قرار گرفت و پوتنام دانشمند علوم سیاسی نفر دومی بود که بحثی قوی و پرشور را مورد نقش سرمایه اجتماعی و جامعه مدنی هم در ایتالیا و هم ایالات متحده بر انگیخت (عبدالملکی و همکاران، ۱۳۹۲).

بخش پنجم: بررسی نظریه‌های پیرامون سرمایه اجتماعی و عوامل ساخت سرمایه اجتماعی

بر مبنای نظر جیمز کلمن عوامل ساخت سرمایه اجتماعی از چهار دسته خارج نیست: عوامل نهادی، عوامل خود جوش، عوامل بیرونی و عوامل طبیعی. هر یک از عوامل خود به گروه‌های کوچکتری قابل تقسیم هستند که تقسیمات آن را در جدول زیر می‌توان مشاهده کرد (شارع‌پور و حسینی راد، ۱۳۸۷).

جدول طبقه بندی عوامل ساخت سرمایه اجتماعی

گروه‌های کلی	گروه‌های جزئی
عوامل نهادی	عقلایی / غیر عقلایی
عوامل خود جوش	عقلایی / غیر عقلایی
عوامل بیرونی	دین / ایدئولوژی فرهنگ و تجربه تاریخی مشترک
عوامل طبیعی	خویشاوندی / نژاد و قومیت

۱. عوامل نهادی

نهاد به معنای قانون، رسم، عرف، عادت و یا سازمانی است که در زندگی سیاسی یا اجتماعی مردم مؤثر واقع شده و نظام هدف‌داری را در جهت رفع نیازهای یک اجتماع سازمان یافته ایجاد می‌کند. مثال بارز از یک نهاد، دولت است که به واسطه وضع قوانین و ایجاد نظام هدف‌دار موجب تشکیل سرمایه اجتماعی می‌شود در برخی از قوانین به عنوان یک عامل نهادی به صورت عقلایی وضع می‌گردند تا انسان‌ها را وادار به مشارکت نمایند. دولت‌های کمونیستی نظیر اتحاد جماهیر شوروی سابق و چین دارای چنین خصوصیتی بودند. در نظام‌های دموکراسی نیز قوانین به گونه‌ای وضع می‌گردد که بر پایه آن شکل‌هایی رسمیت میابند که مسئول ترویج ارزش‌های غیر رسمی‌اند مانند احزاب سیاسی با شکل‌های مردمی. فوکویاما معتقد است هرگاه رفتاری در اثر قدرت طلبی و سلطه یک گروه بر گروه دیگر در جامعه شکل بگیرد، به عنوان عوامل نهادی غیر عقلایی در تشکیل سرمایه اجتماعی به شمار می‌رود.

۲. عوامل خودجوش

هنجارهایی که به صورت خودجوش به جای قانون و دیگر نهادهای رسمی از کنش‌های متقابل اعضای یک اجتماع به وجود می‌آیند و ناشی از انتخاب‌های تعمدی نیستند، به عنوان عوامل خودجوش در ایجاد سرمایه اجتماعی در نظر گرفته می‌شوند که به دو دسته عوامل خودجوش عقلایی و عوامل خودجوش غیر عقلایی تقسیم می‌شوند. هنگامی که کنش‌های افراد یک اجتماع در تقابل با یکدیگر هر چند غیر عمد ولی بر اساس تعقل و تفکر صورت می‌گیرد، هنجارهایی را به وجود می‌آورد که زمینه‌ساز تشکیل سرمایه اجتماعی است. ولی هنگامی که این کنش‌های متقابل، غیر منطقی و تصادفی باشند مانند همیاری و همکاری زنبورهای عسل در ساخت کندو که بدون هیچ تعقل و تفکر و به صورت غریزی صورت می‌گیرد، با نام عوامل خودجوش غیر عقلایی دسته بندی می‌گردد.

۳. عوامل بیرونی

منظور از این دسته از عوامل، هنجارهایی است که از جایی غیر از همان اجتماعی که در آن به کار رفته سرچشمه می‌گیرد. عواملی همچون دین و مذهب، ایدئولوژی و فرهنگ یا تجربه

مشترک تاریخی جز این گروه طبقه بندی می شوند. کلمن چنین بیان می کند: وبر بدین نه تنها به دلیل عامل ایجاد کننده اخلاق در کار، بلکه به دلیل عامل ایجاد کننده شبکه های اعتماد در روابط تجاری و مبادلات اقتصادی توجه می کند. در دنیای مدرن امروزی، تمام بخش غیردولتی که آن را جامعه مدنی می دانند، میل به سازمان یافتن پیرامون ایدئولوژی ها دارند. از طرف دیگر بخش اعظم هنجارها از فرهنگ ها ناشی می شوند بدون آنکه بتوان ارتباطی بین آنها و مذهب یافت.

۴. عوامل طبیعی

در این گروه دو دسته از عوامل به صورت روابط خویشاوندی و همبستگی های قومی و نژادی قرار می گیرند. اهمیت خویشاوندی در مقایسه با دیگر ساختارهای اجتماعی از یک جامعه به جامعه دیگر به میزان زیادی فرق می کند. اما در هیچ جامعه ای خویشاوندی به صورت کامل محو نشده است. شواهد قابل مشاهده ای از علوم طبیعی وجود دارد که می گوید اجتماعی بودن نه تنها در انسان بلکه در دیگر موجودات نیز امری ذاتی است. از سوی دیگر در عین حال که اجتماعی بودن در انسان ها تا حدی ریشه در فرهنگ دارد ولی با گرایش های بنیانی به سمت اجتماعی بودن و با مسائل ژنتیکی نیز بسیار مرتبط است. قومیت و نژاد هر دو از معقولاتی هستند که مردم اعتقاد دارند از منابع مهم هویت هستند. بنابراین بدون توجه به مسائل زیست شناسی و طبیعی و حتی کنش های اجتماعی در شناخت قومیت و نژاد، همبستگی های قومی و نژادی از عوامل طبیعی ساخت سرمایه اجتماعی به شمار می آیند.

بخش ششم: بررسی و تحلیل سرمایه اجتماعی در مقاله حاضر

از بین تمامی صاحب نظران جامعه شناسی گروتز نیز درباره سرمایه اجتماعی می گوید: این سرمایه در کشورهای در حال پیشرفت میزان کمی را دار است. و این میزان در کشورهای غربی رو به زوال بوده و همه را به دلیل سست شدن بنیان خانواده نسبت می دهد. برای بررسی بیشتر، آن را در شش بعد مورد سنجش قرار داده که به تفصیل همگی توضیح داده خواهد شد. این ابعاد شامل ۱- عضویت در گروه ها و شبکه ها، ۲- اتحاد و اعتماد، ۳- فعالیت های اشتراکی و همکاری، ۴- اطلاعات و ارتباطات، ۵- وابستگی و پیوستگی اجتماعی، ۶- توانمندسازی و

شرکت در فعالیت‌های سیاسی می‌باشد. هریک از این ابعاد به صورت جدا و پراکنده در بسیاری از تحقیقات مورد بررسی قرار گرفته است، اما گروت‌رت معتقد است کنار هم قرار گرفتن این شش بعد و مقدار آن نشان‌دهنده میزانی است که افراد جوامع از سرمایه اجتماعی برخوردار هستند (گروت‌رت، ۲۰۰۴).

بند اول: عضویت در گروه‌ها و شبکه‌ها

حجم قابل توجهی از ادبیات سرمایه اجتماعی معطوف به تأثیر داوطلبی و رفتارهای داوطلبانه، انجمن‌های داوطلبانه، روحیه داوطلبی و داوطلب‌گرایی مدنی بر سرمایه اجتماعی و پیامدهای اخلاقی و ارزشی آن بوده است. آسلانیر^۱ معتقد است که سرمایه اجتماعی کمک می‌کند افراد مشکل عمل جمعی‌شان را که یکی از عناصر اصلی رفتار اخلاقی است، حل کنند و اخلاقی‌تر عمل کرده و از سود خود به جهت غیر عمومی صرف‌نظر کنند. پوتنام می‌نویسد در دیدگاه ما دیگرخواهی (به معنی کار خوب برای مردمان) بخشی از تعریف سرمایه اجتماعی نیست، اما حداقل در جوامع نتایج تجربی ثابت می‌کند که یک پیش‌گویی کننده بسیار قوی برای دیگرخواهی، اتصالات اجتماعی است. همچنین افرادی که خون می‌دهند، پول و اعانه (کمک‌های خیریه) می‌دهند و زمانشان را صرف کارهای داوطلبانه می‌کنند، همان کسانی هستند که ارتباطات اجتماعی بیشتری دارند (روشنفکر و ذکایی، ۱۳۸۵).

بند دوم: اعتماد و اتحاد

همه ما ناگزیر از اعتماد هستیم. اعتماد به دیگران، اعتماد به محیط زندگی، اعتماد به زمان و اعتماد به همه عرصه‌های زندگی اجتماعی. از اعتماد تعاریف متعدد و گاه متفاوتی ارائه شده است. به رغم تنوع و تفاوت این تعاریف وجه مشترک مهمی در همه آنها می‌توان یافت که همانا وجود دو عنصر پایه‌ای "امید به دستیابی به نتایج مورد انتظار" و "اتکا به صداقت طرف مقابل" است که تقریباً در همه رویکردهای تعریفی به طور صریح یا ضمنی ملحوظ شده‌اند. لایان^۲ اعتماد را باور قوی به اعتبار، صداقت و توان افراد، انتظاری مطمئن و اتکا به ادعا یا

۱. Uslaner

۲. Laean

اظهار نظر دیگران بدون آزمون آن می‌داند. از دید میزتال، اعتماد، اطمینان به دیگران به رغم احتمال و امکان فرصت طلبی، عدم قطعیت و مخاطره‌آمیز بودن آنان است (میزتال^۱، ۱۹۹۶) و زتومپکا اعتماد را شرط‌بندی درباره کنش‌هایی می‌داند که دیگران در آینده انجام خواهند داد (زتومپکا، ۱۳۸۴). به این ترتیب به طور کلی می‌توان گفت که اعتماد، پذیرفتن دیگران در ارتباط با مصالح فرد است. انتظار رفتار مفید داشتن از دیگران یا دست کم مضر نبودن کنش آن‌ها برای مصالح و منافع اعتماد کنند. اعتماد در معنای کلی بازگوی این باور است که دیگران با کنش خود به آسایش یا رفاه اعتماد کنندگان کمک کرده و از آسیب زدن به آن‌ها یا منافع شان خودداری کنند.

بنا به تعریف افه^۲ اعتماد، فرضی شناختی است که کنشگران فردی یا جمعی، گروهی در تعامل با دیگران به کار می‌بندند. این فرض شناختی، با ترجیحات و تمایلات رفتاری دیگران از لحاظ آمادگی آن‌ها برای کمک، همکاری، و پرهیز از اقدامات خودخواهانه، فرصت‌طلبانه و خصمانه ارتباط دارد (افه، ۱۳۸۵). اعتماد تسهیل کننده رفتار جمعی، ایجادکننده فضای اجتماعی مبتنی بر مشارکت و مشوق توجه به منافع و علایق جمعی است (یارمحمد و توسلی، ۱۳۸۴). به اعتقاد گیدنز اعتماد ابراز اطمینان نسبت به اشخاص یا نظام‌های مجرد، بر اساس نوعی جهش به ایمان است، که معمولاً مشکل نادانی یا بی‌اطلاعی را برطرف می‌سازد (گیدنز، ۱۳۸۰). او اعتماد را عامل احساس امنیت وجودی می‌داند که موجود انسانی منفرد را در نقل و انتقال‌ها در بحران‌ها و در حال و هوای آکنده از خطرهای احتمالی قوت قلب می‌بخشد و به پیش می‌برد. گیدنز همچنین اعتماد را از عناصر و مولفه‌های اصلی مدرنیته می‌داند و معتقد است که چهار زمینه محلی اعتماد یعنی خویشاوندی، اجتماع محلی، سنت و کیهان‌شناسی مذهبی بر فرهنگ‌های پیش از مدرن تسلط دارند، حال آنکه در دوران مدرن اعتماد به نظام‌های انتزاعی و نمادها و نظام‌های کارشناسی جای این نوع اعتماد را گرفته است (گیدنز، ۱۳۷۹).

۱. Misztal

۲. Efeh

پوتنام اعتماد را یکی از مولفه های حیاتی و اساسی سرمایه اجتماعی می داند. براساس دیدگاه او، سرمایه اجتماعی را می توان شبکه هایی از انجمن های ارادی و خودجوش معرفی کرد که به وسیله اعتماد، گسترش یافته اند. اعتماد و اشتراک به طور متقابل به یکدیگر وابسته اند، اعتماد از زندگی گروهی پدید می آید و در همان زمان، امکانات خودجوش را برای شکل گیری و تشکل انجمن ها فراهم می سازد. از منظر پوتنام، تئوری سرمایه اجتماعی فرض می کند که هر چه بیشتر با افراد دیگر در ارتباط باشیم، بیشتر به آن ها اعتماد می کنیم و به عکس. پوتنام عقیده دارد که اعتماد همکاری را تسهیل می بخشد و هر چه سطح آن در جامعه ای بالاتر باشد احتمال همکاری هم بیشتر خواهد بود و همکاری نیز متقابلاً ایجاد اعتماد می کند. اعتماد که یکی از عناصر ضروری تقویت همکاری است عنصری غیراختیاری و ناآگاهانه نیست. اعتماد مستلزم پیش بینی رفتار بازبزرگ مستقل است. شما برای انجام کاری صرفاً به این دلیل که فردی می گوید آن را انجام خواهد داد به او اعتماد نمی کنید بلکه تنها به این دلیل به او اعتماد می کنید که با توجه به شناخت تان از خلق و خوی او، انتخاب های ممکن او، تبعات شان و توانایی او، حدس می زنید که او از پس انجام کار بر خواهد آمد. در جوامع کوچک این پیش بینی براساس چیزی انجام می شود که برنارد ویلیامز آن را اعتماد صمیمانه می نامد، یعنی اعتمادی که به آشنایی نزدیک با فرد بستگی دارد. اما در جوامع بزرگ تر و پیچیده تر اعتمادی غیرشخصی تر یا شکل نامستقیمی از اعتماد ضرورت دارد (یارمحمد و توسلی، ۱۳۸۴).

راجرز^۱، عنصری همچون بی اعتمادی متقابل در روابط شخصی را در کنار عناصری چند به عنوان ویژگی های خرده فرهنگ دهقانی، مانع مشارکت می داند. به نظر راجرز یکی از ویژگی های مهم جوامع سنتی، عدم اعتماد متقابل بدگمانی و حيله گری در روابط با یکدیگر است. هم چنین، تصور غیرمحدود سبب عدم اعتماد در روابط شخصی می شود. چون چیزهای مطلوب در زندگی به میزان محدود و کمی وجود دارد به سخن دیگر منابع محدود و خواسته ها نامحدود است و با توجه به قدرت و توانایی افراد میزان آن ها را به سادگی نمی توان

افزایش داد، بنابراین دست یابی عده‌ای به این منابع سبب محرومیت دیگران از آن‌ها می‌شود. و همین مسئله سبب بدگمانی افراد نسبت به یکدیگر خواهد شد. نظریه خیر محدود فاستر مبتنی بر وجود فضایی آکنده از خصومت و بی‌اعتمادی است که موجب می‌شود افراد هرگز نتوانند به روش مشارکتی با یکدیگر همکاری کنند (غفاری، ۱۳۸۶).

آیزنشات^۱ و روینگر^۲ به بحث اعتماد در قالب اجتماعی اخلاقی پرداخته و می‌نویسد: اجتماع اخلاقی طبقه خاصی برای ارتباط با کسانی است که آن‌ها را به عنوان ما می‌شناسیم. سه نوع تعهد اخلاقی مشخصه مقوله ما است: ۱. "ما" به کسانی اطلاق می‌شود که به آن‌ها اعتماد داریم؛ ۲. نسبت به آن‌ها وفادار هستیم؛ ۳. و به خاطر برخی مسائل، انسجام و وحدت خود را با آن‌ها حفظ می‌کنیم. به سخن دیگر، بر طبق این تفسیر سه مؤلفه اساسی برای اجتماع اخلاقی می‌توان تعریف کرد: مؤلفه اول "اعتماد" است یعنی انتظار رفتار معقول دیگران نسبت به خودمان. مؤلفه دوم "وفاداری" است یعنی تعهد به اجتناب از برهم‌زدن اعتمادی که دیگران نسبت به ما دارند و کارهایی که افراد برای جلب اعتماد برخی اشخاص انجام می‌دهند و مؤلفه سوم عبارتست از "اتحاد و اتفاق نظر"، یعنی با انجام برخی اعمال، نشان می‌دهیم که علایق و تمایلات دیگران برای ما اهمیت دارد، حتی اگر این اعمال با علایق خودمان در تضاد باشد. این سه مؤلفه، فضای اخلاقی را که فرد در آن قرار می‌گیرد، ترسیم می‌کنند (یارمحمد و توسلی، ۱۳۸۴).

هم‌چنین اعتماد اجتماعی در روابط بین شخصی و انتزاعی و تخصصی عامل مهمی در پیشرفت جامعه می‌باشد و لازمه شکل‌گیری پیوندها و معاهدات اجتماعی است. اعتماد اجتماعی ایجاد کننده تعاون و همیاری بوده و فقط در این حالت است که در عین وجود تفاوت‌ها قادر به حل مشکلات و انجام تعهدات اجتماعی می‌شود. با این وجود بررسی‌ها نشانگر آن است که نوعی بحران در اساسی‌ترین شاخص سرمایه اجتماعی یعنی اعتماد اجتماعی بوجود آمده‌است.

۱. Eisenshut

۲. Roenger

اختلاف تفرقه و پراکندگی یکی از عوامل و زمینه های اصلی تضعیف اعتماد اجتماعی در جامعه است. در جوامعی که اختلافات فرهنگی، قومی، نژادی و مذهبی وجود دارد تشدید این اختلافات منجر به نابودی اعتماد در سطح جامعه می شود. عدم وجود فقر در جامعه، توزیع عادلانه درآمد، ثروت و قدرت، عدم وجود برخی اختلافات مذهبی، اختلافات قومی و نژادی و در نهایت امنیت و نظم اجتماعی در جامعه از عوامل تاثیرگذار بر اعتماد اجتماعی هستند. این عوامل می توانند باعث ترویج ارزش های اجتماعی چون مشارکت، همکاری، صداقت، ایثار، از خود گذشتگی، پابندی و تعهد، راست گویی، احترام به حقوق دیگران و غیره شوند.

بند سوم: فعالیت های اشتراکی و همکاری

بحث درباره مشارکت نه فقط در ادبیات توسعه اهمیت زیادی دارد بلکه اساساً می توان آن را فرایندی تلقی کرد که ریشه در زندگی اجتماعی انسان دارد و ابعاد آن در طی زمان و برحسب الزامات دوره های مختلف تاریخ دگرگون و متکامل شده است. ایده مشارکت در معنای بسیط خود از مباحث مرتبط به دموکراسی نشأت می گیرد که سابقه آن را برخی به نظام سیاسی یونان باستان می رسانند (آرنت، ۱۳۷۴). به اعتبار منابع موجود از آن دوره سابقه این بحث را دست کم می توان در دوران قبل از میلاد مسیح و در آثار افلاطون و ارسطو پیگیری کرد. در دوران جدید هم خصوصاً از عصر روشنگری به بعد طرح مباحث نو در این زمینه اهمیت روز افزونی یافته است تا جایی که جامعه مدنی به واسطه بسط و گسترش مشارکت های اجتماعی و نهادهای مدنی تعریف می شود. از طرف دیگر، اعتماد شرط اصلی و کلیدی برای موجودیت هر جامعه ای است. به نظر می رسد در زمانی زندگی می کنیم که در آن وابستگی آتی جامعه بر روی تصمیم گیری ها افزایش یافته است. ما در حال گذر از جوامع مبتنی بر تقدیرگرایی به سوی جوامع مبتنی بر عاملان انسانی هستیم و به منظور رویارویی با آینده به صورت فعال و ساختمان نیاز به اعتماد داریم (زتومپکا، ۱۳۸۴). نیوتن^۱ اعتماد را این باور در فرد تعریف می کند، که دیگران، در بدترین شرایط، آگاهانه وعامدانه آسیبی به او نمی رسانند؛ و در بهترین شرایط، به

۱. Newton

نفع او عمل می کنند. با اعتماد، روابط اجتماعی محکم و صلح آمیز حفظ می شود، که این ها به نوبه خود، پایه و اساس رفتارهای جمعی و همکاری های سازنده است. گرچه اعتماد با مخاطره همراه است، اما جهان را به جایی خوشایندتر، کارآمدتر، و صلح آمیزتر برای زندگی تبدیل می کند. زندگی اجتماعی بدون اعتماد، غیر قابل تحمل و حتی شاید ناممکن است (یارمحمد و توسلی، ۱۳۸۴). امروزه بیستری توافقی در این زمینه وجود دارد که اعتماد مؤلفه ای ضروری در همه انواع روابط اجتماعی است. می توان گفت که اعتماد نتیجه برهم کنش های اجتماعی موجود در گروه ها، انجمن ها و فعالیت های اجتماعی است. از این رو اعتماد را می توان یکی از عناصر مهم و حیاتی در امر مشارکت تلقی کرد. اعتماد افراد به هم، اعتماد افراد به نهادها و دولت و به عکس، یعنی اعتماد دولت به شهر و ندان سبب توسعه و تعمیق مشارکت های اجتماعی می شود. اهمیت اعتماد اجتماعی از آن جهت مورد توجه است که این متغیر با بسیاری از متغیرهای موجود در جامعه مدنی از جمله مشارکت دارای هم بستگی است. مشارکت اجتماعی و عضویت داوطلبانه در سازمان های غیردولتی و انجمن های داوطلبانه از جمله پیامدهایی هستند که می توان انتظار داشت در شرایط وجود اعتماد اجتماعی بالا زمینه مناسب تری برای تحقق پیدا کنند. اگر این اعتماد از حد فردی به سطح اجتماعی انتقال یابد به عنوان یک سرمایه با ارزش تلقی می شود. همان چیزی که به آن سرمایه اجتماعی نام نهاده اند. به باور اینگلهارت سرمایه اجتماعی همان اعتماد است. این سرمایه موجب پایین آمدن هزینه برهم کنش های اجتماعی و اقتصادی و اقدامات مرتبط با آن می شود (همان).

۱. مشارکت اجتماعی

مشارکت را نوعی کنش هدفمند در فرایند تعاملی بین کنش گران و محیط اجتماعی او در جهت نیل به هدف های معین و از پیش تعیین شده تعریف کرده اند. از حیث مفهومی واژه مشارکت به معنای شراکت و همکاری در کاری، امری یا فعالیتی و حضور در جمع، گروه و سازمان جهت بحث و تصمیم گیری چه به صورت فعال و چه به صورت غیرفعال است. در مجموع، جوهره اصلی مشارکت را باید در فرایند درگیری، فعالیت و تاثیرپذیری دانست (علوی تبار، ۱۳۷۹). از منظر جامعه شناسی باید بین مشارکت به عنوان عمل و تعهد (عمل

مشارکت) و به عنوان حالت و وضع (امر شرکت کردن) تمیز قائل شد. مشارکت در معنای اول شرکت فعالانه در گروه را می‌رساند و به فعالیت اجتماعی انجام شده نظر دارد و در معنای دوم از تعلق گروهی خاص و داشتن سهمی در هستی آن خبر می‌دهد (پيرو، ۱۳۷۰).

رحمان در تعریف مشارکت می‌نویسد مشارکت مردمی به معنای کوشش و تلاش جمعی در یک زمینه سازمانی است که اعضا با ائتلاف منابع در صدد دستیابی به اهداف هایشان هستند. در نتیجه مشارکت یک فرایند فعال است که هر یک از مشارکت کنندگان به واسطه اندیشه، تأمل و نظارت فعال‌شان به اقدام و عمل مشارکتی ترغیب می‌شوند (غفاری، ۱۳۸۶).

رابرت پوتنام نیز معتقد است که آنچه باعث میزان بالای مشارکت می‌شود اعتمادی است که در قالب همکاری‌های اجتماعی و تعاونی ایجاد می‌شود. به باور پوتنام شبکه‌های مشارکت مدنی هنجارهای محکمی از بده بستان‌های عمومیت یافته را رواج داده، و پیدایش اعتماد اجتماعی را ترغیب کرده و موجب تسهیل همکاری و هماهنگی و ارتباطات و افزایش اعتبار گردیده و از این طریق معضل کنش جمعی را ممکن می‌سازند. دانیل لرنر^۱ عواملی چون سواد، میزان شهر نشینی، دسترسی به رسانه‌های جمعی و همگانی و نهایتاً ارتباطات اجتماعی را با مشارکت اجتماعی مرتبط می‌داند و معتقد است که این متغیرها در جامعه مدرن بیشتر نمود دارند. او از جامعه جدید به عنوان جامعه مشارکتی نام می‌برد (لرنر^۲، ۱۹۶۴).

هانتینگتون^۳ و نلسون^۴ نیز مشارکت را در قالب فرایند اثرگذاری شهروندان بر تصمیم‌گیری‌های دولت مورد توجه قرار داده‌اند به نظر آنها دو پارامتر تحرک اجتماعی و عضویت در انجمن‌ها و گروه‌های اجتماعی زمینه را برای بسط مشارکت اجتماعی فراهم می‌کنند (یارمحمد و توسلی، ۱۳۸۴).

۱ Lerner

۲. Lerner

۳ Huntington

۴. Nelson

انگلهارت^۱ افزایش مشارکت در جوامع پیشرفته را به سه عامل ارتقای تحصیلات و اطلاعات سیاسی، تغییر هنجارهای حاکم بر مشارکت زنان و تغییر در اولویت‌های ارزشی نسبت می‌دهد. به عقیده او این عوامل تأکید کمتری بر نیازهای آنی داشته و بیشتر بر حق ابراز نظر تأکید می‌ورزند (اینگلهارت، ۱۳۷۳).

انگلهارت علاوه بر عوامل یاد شده رابطه بین اعتماد و مشارکت را مورد توجه قرار می‌دهد. به نظر او اعتماد به یکدیگر از عوامل موثر در مشارکت است، زیرا به واسطه اعتماد رفتارها قابل پیش‌بینی می‌شود که نتیجه آن تقویت حوزه کنش و تصمیم‌گیری است. این رویکرد تا حدودی به رویکرد الموند و وربا شباهت دارد که در بحث فرهنگ مدنی اعتماد را از لوازم فرهنگ دموکراتیک و تشکیل روابط ثانویه می‌دانند. اینگلهارت همچنین سرمایه‌اجتماعی را هم ارز اعتماد دانسته معتقد است که سرمایه‌اجتماعی فرهنگ اعتماد و مدارا است که به مدد آن شبکه‌های گسترده سازمان‌های داوطلبانه رشد می‌یابند. به اعتقاد او شبکه‌ها نتیجه اعتماد مردم به یکدیگرند، نه اینکه اعتماد محصول جانبی انجمنی شدن مردم باشد. مردمی که به یکدیگر اعتماد می‌ورزند، با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند تا در وضعیت‌های مختلف از گروه ورزشی گرفته تا محل کار انجمن تشکیل دهند و بدین وسیله به یکدیگر اعتماد کنند (یارمحمد و توسلی، ۱۳۸۴).

با توجه به مباحث مطرح شده می‌توان گفت که مشارکت اجتماعی فرایندی سازمان یافته است که افراد اعتمادی که به یکدیگر پیدا می‌کنند از روی آگاهی و اطلاع و به صورت داوطلبانه و گروهی، با عنایت به علایق معین و مشخص که منجر به خودشکوفایی و نیاز به اهداف و سهم شدن در منابع قدرت می‌گردد به فعالیت مشترک می‌پردازند. عرصه چنین مشارکتی، نهادهای مشارکتی همچون گروه‌ها، اتحادیه‌ها، باشگاه‌ها و انجمن‌ها هستند که معمولاً خصلتی محلی و غیر دولتی دارند و در حوزه‌های گوناگون ایفای نقش می‌کنند. تعدد و گستردگی سازمان محلی و غیر دولتی در یک جامعه بیانگر وجود مشارکت اجتماعی در آن جامعه است. اهمیت

۱. Englehart

این انجمن ها و تشکلهای در این است که مجرای برای آموزش مشارکت در تعیین سرنوشت مردم و شراکت در بحث و تصمیم گیری جمعی به شمار می آیند. از دیدگاه چلبی، انجمن های داوطلبانه نوعی بستر سازی مناسب برای مشارکت اجتماعی را فراهم می آورند. از یک طرف، تشکلهای مشارکتی با جلب همکاری افراد، زمینه اتصال هرچه بیشتر آنها به جامعه را فراهم آورده و مشارکت فرد در امور اجتماعی را افزایش می دهند، و از سوی دیگر با یسط شبکه های اجتماعی و تقویت هبستگی اجتماعی به گسترش مشارکت فعالانه و داوطلبانه افراد جامعه کمک می کنند (چلبی، ۱۳۷۵). بنابراین می توان گفت که مشارکت واقعی و هدفمند برون داد سازمان های غیر دولتی است و آنها متولیان این نوع مشارکت در سطح اجتماع هستند. افرادی که روابط اجتماعی بیشتری دارند و اعتماد حاکم بر این روابط بر کیفیت آن افزوده است، تمایل بیشتری برای عضویت و مشارکت در سازمان های داوطلبانه دارند. به این معنی که روابط و کیفیت آن به ایجاد انجمن ها و سازمان ها منجر می گردد.

۲. اطلاعات و ارتباطات

جهان، با ورود به عصر رسانه ها و شکل گیری جامعه اطلاعاتی، دوران جدیدی را آغاز کرده است. در نظام نوین جهانی، ما در عصر رسانه ها زندگی می کنیم، عصری که در آن رسانه های گروهی جزء جدایی ناپذیر زندگی ما هستند. آنچه که رسانه ها به عنوان اطلاعات به ما انتقال می دهند، به اشکال مختلف در نحوه زندگی، اندیشه و احساسات ما و حتی فرزندان ما تعیین کننده تأثیرگذار است. در این میان سیاست های رسانه ای نقش تعیین کننده ای در توسعه فرهنگی کشورها دارند. رسانه ها با اتخاذ سیاست های متفاوت ارتباطی، توسعه فرهنگی کشورها را تسهیل و تسریع می کنند. کارکرد رسانه ها در عصر ارتباطات، بی شک در همه ابعاد زندگی اجتماعی و فرهنگی جوامع بشری انکارناپذیر است. امروزه جامعه ای توسعه یافته تلقی می شود که بتواند در کنار توسعه شاخص های اجتماعی و اقتصادی مانند درآمد سرانه، توزیع ناخالص ملی و نرخ مرگ و میر بر معیار آموزش و اطلاعات و در حقیقت عنصر دانایی اجتماعی تأکید کند. در چنین جامعه ای، وسایل نوین ارتباط جمعی با تولید و توزیع مطلوب اطلاعات، نقش زیادی در بالا بردن آگاهی های گوناگون و ضروری به عهده می گیرند و

جامعه را در نیل به تعالی و ترقی همه جانبه یاری می‌کند. حال این رسانه‌ها هستند که با اتخاذ سیاست‌های پویای اجتماعی و ترکیب آن با سیاست‌های فرهنگ‌گرا می‌توانند عامل آمیختگی، توازن و پیوند دادن به باورهای اصیل اعتقادی و سنتهای بارور جامعه باشند و با گسترش تصریح آفرینندگی و افزایش رشد فرهنگی به توسعه همه‌جانبه کشورمان کمک کرده و باعث پویایی افکار شوند. در این میان به نظر می‌رسد، برای یکپارچگی توسعه فرهنگی جهت تقویت هویت و وحدت ملی در دستور کار قرار دادن برنامه ریزی آینده توسعه فرهنگی کشور متناسب با سیاست فرهنگی در کنار اجرای افق سیاست رسانه‌ای بر اساس چشم انداز توسعه در جامعه اطلاعاتی عصر حاضر ضروری به نظر می‌رسد. از آغاز شکل‌گیری و توسعه وسایل جدید ارتباط جمعی مسئله آثار اجتماعی - فرهنگی جمعی به طور جدی، جزئی از دل مشغولی‌های انسان معاصر بوده است (بصیریان و اجتهادی، ۱۳۹۲). از بین این وسایل‌های ارتباط جمعی می‌توان به اینترنت، وایبر، اسکایپ و... اشاره نمود.

۳. وابستگی و شمول اجتماعی

مفاهیم انسجام اجتماعی، یکپارچه سازی، شمول اجتماعی همگی با هم در ارتباط هستند. واژه‌ها نشان از قدرت تعاملات اجتماعی و در نتیجه منافع فردی و متقابل آن‌هاست. در واقع بیان می‌شود که مزایای فردی و اجتماعی از طریق اتصال‌های اجتماعی به دست می‌آید، که یکی از این اتصالات اجتماعی از طریق ورزش حاصل می‌شود. در واقع از دست‌آوردهای ورزش می‌توان به استفاده فردی و اجتماعی از طریق اتصالات اجتماعی، توسعه روابط متقابل، ساخت روابط دوستی، ساخت اعتماد متقابل، توسعه مهارت‌های شخصی و اجتماعی اشاره کرد. در یک راه عملی، استفاده از ارتباطات جمعی به دست آمده از طریق ورزش می‌تواند در انواع مختلف منجر به اعمالی مانند: یافتن شغل، دستیابی و دسترسی به برق و حتی افزایش کیفیت زندگی شود. برای جوامع محروم می‌تواند منجر به افزایش اعتماد به نفس و توانمندسازی اجتماعی شود (هاستون و دورکین^۱، ۲۰۱۱).

۴. توانمند سازی و فعالیت های سیاسی

توانمندسازی یعنی اینکه مردم باید به سطحی از توسعه فردی دست یابند که به آنها امکان انتخاب براساس خواست های خود را بدهد (کتابی و همکاران، ۱۳۸۴).

من می خواهم این کار را انجام بدهم + من می توانم این کار را انجام بدهم = پس من آن را انجام می دهم.

انگیزه + توانایی = توانمندی

توانمندسازی یعنی اعطای قدرت، آغاز کردن و آزادسازی توان بالقوه افراد. برخی صاحب نظران، مفهوم توانمندسازی را گسترش داده و به هر وضعیتی اطلاق می کنند که حس لیاقت و در کنترل داشتن امور را به افراد بدهد، نیروی لازم را برای ابتکار عمل فراهم آورد و آنها را در کارهای معنادار ثابت قدم سازد. در این معنا، توانمندسازی، نیرویی انگیزشی کاملاً فردی و چند وجهی است که می تواند از درون فرد یا به واسطه انگیزه و تحریک بیرونی بر انگیزه شود (۸۴). توانمندسازی به معنای قدرت بخشیدن است و این یعنی به افراد کمک کنیم تا احساس اعتماد به نفس خود را بهبود بخشند، بر توانایی یا درماندگی خود چیره شوند. در افراد شور و شوق فعالیت ایجاد و انگیزه های درونی آنان را برای انجام وظیفه بسیج کنیم (شعبانی بهار، ۱۳۹۲).

نتیجه گیری

در جمع بندی و نتیجه گیری نهایی این مقاله باید گفت امروزه اکثر کشورهای توسعه یافته به نقش پر اهمیت ورزش در اقتصاد پی برده اند و یکی از برنامه ریزی های و درآمذایی را بر پایه ورزش قرار داده اند ولی در کشورهای جهان سوم هنوز به عنوان یکی بازی به این مهم نگاه می کنند و اهمیت چندانی برای این صنف قائل نشده و بیشتر در این کار هزینه می کنند، تا درآمد حاصل نمایند. سرمایه اجتماعی با دامنه وسیعی از مفاهیم خود (مشارکت داوطلبانه، دموکراسی، شبکه، اعتماد، امنیت، هنجارهای اجتماعی و توانمندسازی) در بیست سال گذشته به طور فزاینده ای توجه متخصصان و اندیشمندان علوم اجتماعی را به خود جلب کرده است. جنبه های مختلف این مفهوم تا حدودی از توجه آن به پیامدهای مثبت ارتباط اجتماعی ناشی

می‌شود. عالمان اجتماعی نیز برای حل مشکلات تنزل روابط اجتماعی بر مفهوم سرمایه اجتماعی تأکید دارند. همچنین تحقیقات نشان می‌دهد ورزش برای توسعه بهتر جامعه و پیامدهای شهروندی ضروری است و ورزش‌های فراغتی در ایجاد و افزایش سرمایه اجتماعی نقش مهمی دارند. انجام ورزش‌های تفریحی علاوه بر فواید جسمانی، بر مقابله با مشکلات روانی نیز آثار مفیدی دارد. افرادی که به طور منظم به ورزش می‌پردازند علاوه بر مصونیت از بسیاری از بیماری‌ها و نارسائیه‌ها، دارای شخصیت هماهنگ، زندگی منظم و کارایی بیشتری با کسب روحیه نشاط و بهره‌مندی بیشتر از زندگی، از سلامت محیطی بیشتری برخوردارند. نهایتاً باید اذعان داشت ورزش دیگر یک فعالیت تفننی نیست بلکه به یک صنعت پررونق بخصوص در کشورهای پیشرفته تبدیل گردیده است، چنانکه حجم سرمایه‌گذاری‌های انجام شده هم در بخش حرفه‌ای و هم در بخش همگانی بسیار زیاد می‌باشد. فواید مادی و غیرمادی ورزش را نمی‌توان نادیده گرفت. هم از بابت منافع مادی آنی که برای شرکتهای تجاری صنعتی به دنبال می‌آورد و هم از بابت منافع درازمدتی همچون افزایش سطح سلامت و تندرستی بهره‌گیری بهتر از نیروی کار و افزایش اشتغال در بخش‌های ورزشی و غیرورزشی به دنبال می‌آورد. لذا لازم هست تا دولتها برای بهره‌گیری از مزایای درازمدت ورزش آن‌را یک کالای سرمایه‌ای به حساب آورده و برای رونق آن بخصوص در بخش همگانی توجه لازم را برای پیشرفت آن مبذول دارند.

منابع و مأخذ

- ۱- اختر محقق، مهدی، (۱۳۹۵). "سرمایه اجتماعی"، ناشر مهدی اختر محقق
- ۲- افروزه، محمدصادق. محرم زاده، مهرداد. کاشف، محمد، (۱۳۹۰). "شناسایی عوامل انگیزشی، ویژگی های شخصیتی و مؤلفه های اجتماعی نیروهای داوطلبی در ورزش"، مدیریت ورزشی، زمستان ۱۳۹۰، شماره ۱۱
- ۳- آوست، دیوار. ایوچر، چارلز، (۱۳۷۴). "مبانی تربیت بدنی و ورزش ها"، ترجمه احد آزاد، انتشارات کمیته ملی المپیک جمهوری اسلامی ایران، تهران ۱۳۷۴
- ۴- آفرینش خاکی، اکبر، (۱۳۹۵). "راه های توسعه ورزش توسعه همگانی در کشور از دیدگاه متخصصین، صاحب نظران، مربیان و ورزشکاران"، رساله دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران
- ۵- ازکیا، مصطفی. غفاری، غلامرضا، (۱۳۹۰). "بررسی رابطه بین انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی سازمان یافته روستائیان در نواحی روستایی کاشان"، مجله اقتصادی کشاورزی توسعه، سال ششم، شماره ۳۶
- ۶- افه، کلاوس، (۱۳۸۵). "چگونه می توان به شهروندان اعتماد داشت؟ اعتماد، دموکراسی و توسعه، تهران نشر شیرازه، مترجم: کیان تاجبخش
- ۷- اینگلهارت، رونالدو، (۱۳۷۳). "تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی"، مترجم: مریم وتر، تهران انتشارات کویر
- ۸- اجتهادی، مصطفی، (۱۳۸۶). "سرمایه اجتماعی"، پژوهش نامه علوم انسانی
- ۹- پارسامهر، مهربان. بلگوریان، مستانه. سعیدی مدنی، محسن، (۱۳۹۲). "بررسی رابطه بین مؤلفه های سرمایه اجتماعی و مشارکت ورزشی در میان نوجوانان"، مدیریت ورزشی
- ۱۰- پیرو، آلن، (۱۳۹۰). "فرهنگ علوم اجتماعی"، مترجم باقر ساروخانی، تهران، انتشارات کیهان
- ۱۱- پوتنام، روبرت، (۱۳۸۰). "دموکراسی و سنت های مدنی (تجربه ایتالیایی و درس هایی برای کشورهای در حال گذار)"، مترجم: محمد تقی دلفروز، تهران نشریه روزنامه سلام
- ۱۲- ترکان، رحمت اله. پارسامهر، مهربان، (۱۳۹۶). "بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و

- مشارکت در فعالیت‌های ورزشی"، مجله پژوهش پرستاری، شماره ۲۶
- ۱۳- تاجبخش، کیان. ثقفی، مراد. کوهستانی نژاد، مسعود (۱۳۸۲). "سرمایه اجتماعی و سیاست‌های اجتماعی (بررسی وضعیت سرمایه اجتماعی در ایران)"، رفاه اجتماعی
- ۱۴- تندونیس، فریدون، (۱۳۷۵). "نحوه گذران اوقات فراغت دانش جویان دانشگاه‌های کشور با تاکید بر فعالیت‌های ورزشی"، رساله دکتری، دانشگاه تهران
- ۱۵- جلالی فرهانی، مجید، (۱۳۹۱). "مدیریت اوقات فراغت و ورزش‌های تفریحی". انتشارات دانشگاه تهران، چاپ هفتم
- ۱۶- جسمانی، سمیه. پارسامهر، مهربان، (۱۳۹۰). "نقش سرمایه اجتماعی بر مصرف ورزش (تماشای ورزش)"، دوفصل‌نامه پژوهش در مدیریت ورزشی و رفتار حرکتی
- ۱۷- چابی، مسعود، (۱۳۷۵). "جامعه‌شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی"، تهران نشر نی
- ۱۸- حیدرآبادی، ابولقاسم، (۱۳۹۶). "اعتماد اجتماعی و عوامل اجتماعی- فرهنگی مؤثر بر آن (مطالعه موردی جوانان ۲۹-۲۰ ساله استان مازندران)"، مجله تخصصی جامعه‌شناسی، سال اول
- ۱۹- حیدرنژاد، علی‌رضا. باقری، عبدالرضا. اصائلو، علی، (۱۳۹۱). "مقایسه میزان سرمایه اجتماعی در جوانان معتاد و غیرمعتاد"، فصل‌نامه اعتیادپژوهی سوء مصرف مواد، سال ششم، شماره ۲۴
- ۲۰- حاج عبداللهی، زهرا، (۱۳۸۶). "بررسی نحوه گذران اوقات فراغت دانش‌آموزان شهر تهران"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن
- ۲۱- خلیل‌زاده، علی. کوهستانی، حسینعلی. "پژوهش در اوقات فراغت و راه‌های بهره‌برداری از آن". دی ماه ۱۳۸۳. پروتال جامع علوم انسانی
- ۲۲- خداداد کاشی، حمید، (۱۳۸۴). "تعیین اثر بخشی فعالیت‌های ورزشی فوق‌برنامه دانشگاه‌های تهران و ارائه الگوی اثر بخش"، رساله دکتری تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه تربیت مدرس
- ۲۳- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۵). لغت نامه، جلد ۲۷.

۲۴-DELANEY L, KEANEY E. (۲۰۰۵) SPORT AND SOCIAL CAPITAL IN THE UNITED KINGDOM: STATISTICAL EVIDENCE FROM NATIONAL AND INTERNATIONAL SURVEY DATA.PP: ۳۴.

۲۵-SEIPPLE. O.(۲۰۰۶). SPORT AND SOCIAL CAPITAL: ACAT SOCIOLOGICA.PP: ۱۶۹-۱۸۳.

۲۶-TONTS M.(۲۰۰۵). COMPETITIVE SPORT AND SOCIAL CAPITAL IN RURAL AUSTRALIA.PP:۱۳۷.

۲۷-LINDSTROM M.(۲۰۱۱). SOCIAL CAPITAL, DESIRE TO INCREASE PHYSICAL ACTIVITY AND LEISURE-TIME PHYSICAL ACTIVITY: A POPULATION-BASED STUDY. PP: ۴۴۲-۴۴۷.

۲۸-GROOTAERT C. NARAYAN D. NYHAN JONES V. WOOLCOCK M. ۲۰۰۴; MEASURIN SOCIAL CAPITAL AN INTEGRATED QUESTIONNAIRE. PP: ۴۵- ۴۹.

۲۹-NICHOLSON M. HOYE R. SPORT AND SOCIAL CAPITAL: AN INTRODUCTION.

۳۰- CHRISTOPH BREUER, KIRSTIN HALLMANN AND PAMELA WICKER (۲۰۱۱). DETERMINANTS OF SPORT PARTICIPATION IN DIFFERENT SPORTS". MANAGING LEISURE.